

رابطه سبک های فرزندپروری والدین با زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستان

رضا حسینی^۱، سوسن آقاجان بگلو^۲

^۱ رضا حسینی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

^۲ استادیار دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور بوشهر

نویسنده مسئول:

رضا حسینی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تعیین نقش رابطه سبک های فرزندپروری با زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دوره متوسطه اول شهرستان ثلاث باباجانی انجام شد. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی صورت گرفت. جامعه آماری شامل کل دانش آموزان پسرانه و دخترانه دوره متوسطه اول شهرستان ثلاث باباجانی به تعداد ۳۶۰ نفر که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند می باشد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند: پرسشنامه رفتارهای پرخطر، زاده محمدی (۱۳۸۶)، پرسشنامه قلدری سایبری پاتچین و هیندوجا (۲۰۱۱) و پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲). نمونه پژوهش ۱۸۰ نفر از دانش آموزان پسر و دختر متوسطه اول دبیرستان های شهرستان ثلاث باباجانی بوده که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند.

برای تحلیل نتایج از مدل ضرایب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که: رابطه بین سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه با زورگویی سایبری مثبت و رابطه بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با زورگویی سایبری منفی است. میزان زورگویی سایبری در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها سهل گیرانه و مستبدانه است بیشتر و در دانش آموزانی که سبک والدین آنها مقتدرانه است کمتر. سبک های سهل گیرانه و مستبدانه به صورت مثبت و سبک مقتدرانه به صورت منفی قادر به پیش بینی زورگویی سایبری دانش آموزان می باشند. رابطه بین سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه با رفتارهای پرخطر مثبت و رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای پرخطر منفی است. رفتارهای پرخطر در دانش آموزانی که سبک والدین آنها سهل گیرانه و مستبدانه است بیشتر و در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدرانه است کمتر می باشد. سبک های سهل گیرانه و مستبدانه به صورت منفی قادر به پیش بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان می باشند.

کلیدواژه ها: سبک های فرزندپروری، زورگویی سایبری، رفتار پرخطر، دانش آموزان

مقدمه

کودکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی محسوب می‌شود که در آن شالوده شخصیتی انسان شکل می‌گیرد. کودکان به‌عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در معرض انواع مشکلات روان‌شناختی قرار دارند. آسیب‌پذیری در این سنین تحت تأثیر فرآیند فعال رشد و مقتضیات خاص مراحل از یک‌سو و کنترل شرایط محیطی و موقعیتی کودک توسط بزرگسالان از سوی دیگر قرار دارد (سجادی، ضرابیان و صادقیان، ۲۰۱۰). کودکان سازندگان فردای جوامع خویش هستند که تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه را به خود اختصاص می‌دهند بنابراین توجه به حفظ سلامت و رفاه و همچنین پیشگیری و برطرف ساختن موانع رشدی آنان توجه زیادی را به خود جلب کرده است از این‌رو مشکلات رفتاری کودکان یکی از موضوعات مهم روانشناسی و روان‌پزشکی در ۲۵ سال گذشته بوده است (ایوانز، مالت، ویست و فرنز، ۲۰۰۵). در دهه‌های اخیر تأکید عمده روانشناسان بر اهمیت کیفیت رابطه والد و کودک، به‌عنوان عامل مؤثر و تعیین‌کننده در تسهیل رشد و یا ایجاد مشکلات رفتاری کودکان بوده است. باور غالب روانشناسان کودک حاکی از آن است که واکنش‌های متقابل و صمیمیت والدین، اساس رشد شناختی و عاطفی کودک را تشکیل و خطر ابتلا آن را به مشکلات رفتاری کاهش می‌دهد (جانسون و مش، ۲۰۰۱).

شیوه‌های فرزندپروری اثر طولانی بر رفتار، عملکرد و شخصیت فرزندان در آینده به‌ویژه دوره جوانی می‌گذارد. یکی از متغیرهایی که در بحث کودکان و نوجوانان وجود دارد رفتارهای پرخطر می‌باشد. خطرپذیری^۴ به رفتارهایی اطلاق می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (کارگرگ و گرور، ۲۰۰۳). خطرپذیری و انجام رفتار پرخطر دقیقاً معادل یکدیگر نیستند. خطرپذیری علاوه بر این که انجام رفتارهای پرخطر را در بر می‌گیرد، به آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن فرد از سوی محیط و نزدیکان و نیز گرایش‌ها، تمایلات و باورهای نادرست و تهدیدکننده فرد درمورد رفتارهای پرخطر اشاره دارد (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۸۶).

یکی از رفتارهای پرخطر را می‌توان زورگویی نام برد. پدیده قلدری^۵ از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی به صورت هر گونه آزاررسانی عمدی که به قصد آسیب رساندن دیگران با استفاده از وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی نظیر اینترنت، تلفن همراه، پیامک، بلوتوث، وبلاگها و غیره باشد تعریف می‌شود. زورگویی^۶ در مدرسه یک نوع پرخاشگری است که در مدارس اغلب کشورها شایع می‌باشد. امروزه پذیرفته‌شده که زورگویی تقریباً در همه مدارس روی می‌دهد و بیشتر از آنچه اکثر معلمان و والدین گمان می‌برند گسترش دارد. در دهه اخیر، این پدیده وخیم‌تر شده و مشکلاتی را برای افراد، خانواده‌ها و محیط آموزشی آن‌ها به وجود آورده است. جو مدرسه عامل مهمی در درک نگرش‌ها و باورهای دانش‌آموزان نسبت به خشونت^۸ و زورگویی است. مطالعات بسیاری رابطه مستقیم جو مدرسه و سازگاری روان‌شناختی^۹ افراد را آشکار کرده‌اند (گیووازولایس، کورکوتاس، میتسوپولو و جورجیادی، ۲۰۱۰).

مشکلات رفتاری کودکان بسیار تحت تأثیر والدین می‌باشد. نوع تربیت فرزندان و این که فرزندان تحت تأثیر والدین رفتار و اعمالی را انجام می‌دهند که اگر مخالف با عرف و شرع جامعه باشد ممکن است مشکلاتی را به وجود آورد که در وهله اول هم به خود بچه و نوجوان و هم به جامعه ضرر و آسیب می‌رساند. به طوری که از لحاظ روحی و سلامت روانی را هم به خطر می‌اندازد. تربیت فرزندان توسط والدین می‌تواند در ایجاد روحیه قوی و محکم فرزندان نوعی گام مهمی بردارد و بر عکس هم می‌تواند اقدام کند. سلامت عمومی و روانی حاصل از این تربیت هم به نوع خود مهم و ضروری است. چرا که عدم سلامت روانی باعث ایجاد ناراحتی‌های روحی، خلقی و جسمی می‌شود. (شورکی، ۱۳۸۲).

³ Evans, Mullett, Weist & Franz

⁴ Risks

^۳ Carr-Gregg, & Grover

⁶ bullying

⁷ Bullying

⁸ Violence

⁹ Psychological adjustment

¹⁰ Giovazolias, Kourkoutas, Mitsopoulou & Georgiadi

زیگلن (۱۹۹۹) نیز روشهای ارتباطی والدین و فرزندان را به ۴ دسته کلی تقسیم میکند:

۱-والدین مقتدر

۲-والدین مستبد

۳-والدین سهل گیر

۴-والدین مسامحه گر

پژوهش‌های انجام گرفته در داخل ایران وجود خشونت و پرخاشگری در مدارس را گزارش می‌دهند. برای مثال، **بازرگان و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۲)** با پژوهش در مورد خشونت بدنی در مدارس راهنمایی شهر تهران نتیجه گرفتند که اعمال خشونت بدنی در مدارس از سوی دانش‌آموزان و حتی کارکنان مدرسه وجود دارد. **کیانی راد (۱۳۸۹)** نیز در پژوهشی در مورد قلدری در مدرسه نشان داد که این پدیده در مدارس کشور در بین دانش‌آموزان وجود دارد. به‌طور کلی، پژوهش‌های انجام شده در ایران بیانگر آن است که وجود خشونت و پرخاشگری در مدرسه مورد اعتراض دانش‌آموزان و اولیاء آنان بوده و مانع تحقق اهداف آموزشی می‌شود.

اسپلاگ^{۱۱}، باس ورث و سیمون (۱۹۹۹) عوامل مرتبط با قلدری در مدارس راهنمایی را بررسی کرده‌اند و قلدری را به خاطر فقدان مهارت‌های اجتماعی هنگام تعامل با همسالان می‌دانند. رابطه معناداری بین خودکارآمدی تحصیلی یا پذیرش اجتماعی وجود داشت و از طریق پذیرش اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی می‌توان رفتار قلدری و قربانی را پیش‌بینی نمود (**تقی زاده، ۱۳۹۱**).

با توجه به بررسی‌های مربوط به پیشینه تحقیقات دیگر، پژوهشی که رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر را در دانش‌آموزان بررسی کند نبود لذا پژوهشگر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری والدین با زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دبیرستان رابطه وجود دارد؟

می‌توان خانواده وجو عاطفی حاکم بر آن را به سه گروه تقسیم کرد:

الف: خانواده استبدادی (با کنترل شدید)

در خانواده‌های استبدادی بر قدرت و احترام والدین بیش از اندازه تاکید، و توجهی به فردیت اعضا نمی‌شود و معمولاً همه افراد بدون چون و چرا از فردی که نقش غالب و تعیین کننده را در خانواده دارد پیروی می‌کنند. این نوع خانواده‌ها بیانگر روابط معیوب والدین با فرزندان بوده و قوانین خشک و محدود کننده و ممنوعیت‌های غیرمنطقی به شدت حاکم است به طوری که دیگر اعضای خانواده حق ابراز عقیده خود را ندارند. کودکان پرورش یافته در این خانواده‌ها تمایل به مودب بودن خجالتی و از نظر اجتماعی غیرمثبت، درمانده، بسیار هم رنگ و فاقد کنجکاوی و اخلاقیات هستند.

ب: خانواده‌های دموکراتیک (آزادمنش)

کلمه دموکراتیک به نوعی خانواده اطلاق می‌شود که در آن هریک از اعضای خانواده در اجرای امور زندگی دارای حقوق یکسان و امتیازات نسبتاً یکسان و شناخته شده ای هستند و در این قبیل خانواده کودکان در اعمال و رفتار خود از استقلال بیشتری برخوردارند. سایر اعضای خانواده برای عقاید آنها احترام قائل می‌شوند. البته دموکراسی در محیط خانواده به معنای آزادی نامحدود نیست زیرا در چنین خانواده اگر محدودیت‌ها برداشته شوند افراد حقوقی برای دیگران قائل نشوند. احتمالاً همه افراد دستخوش دگرگونی و اختلال می‌شوند. کودکان نیز در آینده با موازین اجتماعی و اخلاقی جامعه خود در تعارض قرار می‌گیرند.

ج: خانواده با اقتدار منطقی

این گروه از والدین هم پذیرنده و هم پاسخ دهنده هستند. از نظر سبک درخواست کنندگی نیز در سطح بالایی قرار دارند و قوانین واضح و روشنی وضع می‌کنند و فرزندان را مجبور به اجرا می‌کنند. آنها اصول بنیادی قواعد و محدودیت‌هایشان را توضیح می‌دهند. این والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار هستند و ارزش زیادی به رشد خود مختاری می‌دهند. در این سبک والدین فرصت‌هایی به نوجوانان می‌دهند برای آنکه آن‌ها را در تصمیم گیری و استقلال نیرومند کنند. **استنبرگ و همکاران (۱۹۸۹)** در مطالعه‌ای نشان دادند که فرزند پروری با اقتدار منطقی به رشد بلوغ روانشناختی در نوجوانان و در نهایت منجر به موفقیت در مدرسه می‌شود.

بامریند (۱۹۹۱) دریافت که والدین با اقتدار منطقی، بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار، خوش رو، مسئولیت پذیر و متکی به خود هستند و جهت گیری‌هایشان به سمت پیشرفت می‌باشد. آنها وقتی به سن نوجوانی می‌رسند به طور منطقی رفتار می‌کنند و خون گرم و اجتماعی می‌شوند. یافته‌های بامریند نشان داد که کودکانی که والدین مقتدر داشتند، از رشد خوبی برخوردار بودند، در تکلیف جدید اعتماد به

نفس داشتند و کمتر رفتار نقش جنسی غالبی از خود نشان دادند. پژوهش های دیگر ارتباط مثبت بین فرزند پروری با اقتدار منطقی و مهارت های عاطفی، اجتماعی در سال های قبل از مدرسه را تاکید می کند و همچنین این شیوه با بسیاری از جنبه های شایستگی در سنین بالاتر به خصوص در سن دبیرستان ارتباط دارد.

زورگویی^{۱۲} پدیده اجتماعی مهمی است زیرا برای محیط آموزشی حمایتگر و پذیرا، تهدید به شمار می رود؛ و پیامدهای ناگوار و سختی در پی داشته است همچون خودکشی، اختلال در تغذیه، فرار از خانه، افسردگی، اخراج از مدرسه و رفتارهای پر خاشگرانه در بزرگسالی (هاوکر^{۱۳} و بولتون^{۱۴}، ۲۰۰۰، ص ۳۳)

زورگویی، رفتاری متجاوزانه با القای ترس برای چیرگی بر دیگری شناخته می شود. بر اساس دیدگاه سسله گری، دانش آموزان از پر خاشگری در مقابل هم تان های ضعیف تر خود برای دستیابی به منابع، از جمله وضعیت بهتر در گروه هم تان های استفاده می کنند. بنابراین زورگویی وضعیت مرکزی بیشتری در شبکه ها و قدرت فیزیکی و اجتماعی بیشتری دارند، در حالی که قربانیان در مرکز شبکه نیستند بلکه در حاشیه قرار دارند. **موتا پا^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۴، ص ۱۱۶)** دریافتند که قربانیان نسبت به سایر اعضا کمتر درخواست دوستی می کنند و موقعیت مرکزی کمتری در شبکه های دوستی دارند. آن ها از دیدگاه اجتماعی، به دلایل مختلف در گروه های مدرسه فعالیت کمتر و در شبکه مدرسه جایگاه اجتماعی نامناسب تری دارند.

با افزایش استفاده از اینترنت، گزارش های آزار سایبری، درخواست های جنسی و زورگویی سایبری نیز افزایش یافته است (لی^{۱۶}، ۲۰۰۶؛ **پاچین و هندو جا، ۲۰۰۸**). زورگویی آنلاین، رفتار پر خاشگرانه با هدف آشکار علیه فرد دیگری است؛ مانند به کار بردن پیام های زشت و ناپسند در باره دیگران، پراکندن شایعه و انتشار ویدئو های کوتاه توهین آمیز یا شرم آور مرتبط با قربانی زورگویی سایبری استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی برای حمایت از رفتارهای خصمانه عمدی و مکرر از سوی یک فرد از گروه است که با هدف آزار دیگران انجام می شود مانند ایمیل، تلفن همراه، پیام متنی و فوری، وب سایت های شخصی و توهین آمیز، نظر سنجی توهین آمیز وب سایت ها (روزن^{۱۷}، ۲۰۱۱، ص ۳۳)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی پسران و دختران مقطع متوسطه اول به تعداد ۳۶۰ نفر بود که در مدارس دولتی شهرستان ثلاث باباجانی استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۸۰ نفر تعیین شد، به این منظور با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای، چهار مدرسه ی مختلف از مدارس آموزش و پرورش شهر ثلاث باباجانی انتخاب و سپس از هر مدرسه سه کلاس از هر پایه ی تحصیلی یک کلاس به صورت تصادف وارد پژوهش شدند. برای بدست آوردن حجم نمونه ی کافی ۲۵۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص و نامعتبر، داده های حاصل از پرسشنامه های ۱۸۰ دانش آموز وارد تجزیه و تحلیل آماری شد. برای گردآوری داده ها از سه ابزار زیر استفاده شد: **پرسشنامه رفتارهای پرخطر (۱۳۸۶)**، برای سنجش متغیر رفتارهای پرخطر از پرسشنامه رفتارهای پرخطر، زاده محمدی (۱۳۸۶) استفاده خواهد شد. این پرسشنامه دارای ۳۸ گویه؛ و هر گویه بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) درجه بندی می شود. این مقیاس دارای ۶ مؤلفه (گرایش به مواد مخدر، گرایش به الکل، گرایش به خشونت، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، گرایش به رابطه با جنس مخالف و گرایش به رانندگی خطرناک) می باشد. ویژگی روانسنجی در نسخه هنجار شده توسط محمدی زاده (۱۳۸۶)، در رابطه با تشخیص تفاوت بین گروهها امیدوار کننده است. روایی صوری پرسشنامه توسط رجبی، ۷۷٪ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۶۷ گزارش شده است. **آزمون قلدری سایبری پاتچین و هیندو جا (۲۰۱۱)**، این آزمون خود گزارش دهی توسط پاتچین و هیندو جا (۲۰۱۱) با اقتباس از پرسش نامه قلدری/قربانی اولویوس برای اندازه گیری قلدری نوجوانان در سی روز گذشته ساخته شده است و مشتمل بر ۱۵ گویه است

¹² Bulling

¹³ Hoker

¹⁴ Boulton

¹⁵ Mouttapa

¹⁶ Li

¹⁷ Rosen

که ده مورد اول برای سنجش قلدری سنتی و پنج مورد بعدی برای سنجش قلدری سایبری لحاظ شده است که ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش سازندگان آن، به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۶ گزارش شده است که نشان از همسانی درونی خوب آزمون دارد. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای قلدری کلی و اشکال سنتی و سایبری آن به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۱، ۰/۷۵ محاسبه شد. نمره گذاری آن براساس طیف لیکرت چهارگزینه ای است نمرات بالاتر نشان دهنده سطح بالای قلدری در آزمون شونده است. پرسشنامه سبک های **فرزندپروری**، این پرسشنامه توسط بامریند در سال ۱۹۷۲ برای سنجش سبک های فرزندپروری والدین طراحی شده و شامل ۳۰ سؤال است که برای ارزیابی ۳ سبک فرزندپروری سهل گیر، مستبد و مقتدرانه می باشد. هریک از ۳ زیر مقیاس آزمون، ۱۰ ماده داشته که بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از ۰ تا ۴ نمره گذاری می شود و با جمع نمره سؤالات مربوط به هر شیوه، ۳ نمره مجزا به دست می آید. بوری (۱۹۹۱) از طریق روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران برای شیوه سهل گیر ۰/۸۱، شیوه مستبدانه ۰/۸۶ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۸ گزارش کرده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) روایی و پایایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش نموده و شهادت، ثابته و رضوانی (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۲ اعلام کرده است.

روش تجزیه تحلیل اطلاعات در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام می شود. در قسمت توصیفی انحراف معیار و میانگین و در قسمت استنباطی همبستگی بین متغیرها و رگرسیون انجام می شود.

جدول ۴-۴: اندازه های توصیفی سبک های فرزندپروری

چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
سبک سهل گیر	-0.427	0.304	27.54
سبک مستبد	0.096	-0.571	23.31
سبک مقتدر	-0.161	0.450	25.55
			3.221
			3.434
			3.437

در جدول ۴-۴ توصیف آماری نمرات مربوط به سبک های فرزندپروری، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخص های میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است. + همچنین با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده ها بین ۲+ و ۲- می باشد داده ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

جدول ۴-۵: اندازه های توصیفی متغیر زورگویی سایبری

چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
زورگویی سایبری	-0.510	-0.303	17.29
			4.557

در جدول ۴-۵ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیر زورگویی سایبری، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخص های میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده میانگین نمره متغیر زورگویی سایبری برابر با ۱۷/۲۹ است. همچنین با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+ و ۲- می باشد داده ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

جدول ۴-۶: اندازه های توصیفی متغیر رفتارهای پرخطر

چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
رفتارهای پرخطر	-0.380	1.05	83.42
			10.230

در جدول ۴-۶ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیر رفتارهای پرخطر، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخص های میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده میانگین نمره متغیر رفتارهای پرخطر برابر با ۸۳/۴۲ است. همچنین با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+ و ۲- می باشد داده ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

بین سبک های فرزندپروری والدین با زورگویی سایبری دانش آموزان دبیرستان رابطه وجود دارد. جهت بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با زورگویی سایبری دانش آموزان دبیرستان، از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون به همراه بررسی پیش فرض های آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴-۷: ماتریس ضرایب همبستگی بین سبک های فرزندپروری و زورگویی سایبری

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱-سبک سهل گیر	۱			
۲-سبک مستبد	۰.۱۸۲*	۱		
۳-سبک مقتدر	-۰.۵۲۴**	-۰.۱۶۵*	۱	
۴-زورگویی سایبری	۰.۵۰۰**	۰.۲۷۳**	-۰.۵۸۶**	۱
* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱				

در جدول ۴-۷ نتایج همبستگی بین سبک های فرزندپروری با زورگویی سایبری نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده تمامی ضرایب همبستگی محاسبه شده در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشند ($p < ۰/۰۱$). رابطه بین سبک های فرزندپروری سهل-گیرانه و مستبدانه با زورگویی سایبری مثبت و رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با زورگویی سایبری منفی است. بر این اساس نتیجه گرفته می شود میزان زورگویی سایبری در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها سهل گیرانه و مستبدانه است بیشتر و در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدرانه است کمتر می باشد.

جدول ۴-۸: خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل

مدل	R	مجذور R	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین-واتسون
۱	۰/۶۴۷	۰/۴۱۸	۳/۵۰	۱/۵۸۸

در جدول ۴-۸ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۶۴۷ می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۴۱۸ می باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات زورگویی سایبری توسط سبک های فرزندپروری می باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۵۸۸ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده ها رعایت شده است.

جدول ۴-۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	3	518.268	42.187	0.001
باقیمانده	176	12.285		
کل	179	3716.978		

در جدول ۴-۹ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با ۴۲/۱۸۷ می باشد که در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است، که نشان می دهد سبک‌های فرزندپرو می‌توانند تغییرات مربوط به زورگویی سایبری را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۴-۱۰: تحلیل رگرسیون برای پیش بینی زورگویی سایبری از طریق سبک‌های فرزندپرو

شاخص های هم خطی						
ضرایب استاندارد نشده						
ضرایب استاندارد شده						
B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی داری	Tolerance	VIF
ثابت	17.555	4.626	3.795	0.001		
سبک سهل گیر	0.347	0.096	3.609	0.001	0.716	1.396
سبک مستبد	0.207	0.078	2.658	0.009	0.960	1.042
سبک مقتدر	-0.573	0.090	-6.383	0.001	0.721	1.387

در جدول ۴-۱۰ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی زورگویی سایبری از طریق سبک‌های فرزندپرو، آورده شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش ۰/۱ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش ۱۰ کمتر است، نتیجه می شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است. مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای سبک سهل گیرانه برابر با ۰/۲۴۵، سبک مستبدانه برابر با ۰/۱۵۶ و برای سبک مقتدرانه برابر با ۰/۴۳۲- می باشد. با توجه به مقدار آماره های t بدست آمده که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشد، نتیجه می گیریم که سبک‌های سهل گیرانه و مستبدانه به صورت مثبت و سبک مقتدرانه به صورت منفی قادر به پیش بینی زورگویی سایبری دانش آموزان می باشند.

بین سبک های فرزندپروری والدین با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستان رابطه وجود دارد. جهت بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستان، از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون به همراه بررسی پیش فرض‌های آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴-۱۱: ماتریس ضرایب همبستگی بین سبک های فرزندپروری و رفتارهای پرخطر

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- سبک سهل گیر	۱			
۲- سبک مستبد	۰.۱۸۲*	۱		
۳- سبک مقتدر	-۰.۵۲۴**	-۰.۱۶۵*	۱	
۴- رفتارهای پرخطر	۰.۴۵۲**	۰.۳۰۰**	-۰.۵۶۳**	۱

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

در جدول ۴-۱۱ نتایج همبستگی بین سبک های فرزندپروری با رفتارهای پرخطر نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده تمامی ضرایب همبستگی محاسبه شده در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشند ($p < 0/01$). رابطه بین سبک های فرزندپروری سهل-گیرانه و مستبدانه با رفتارهای پرخطر مثبت و رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای پرخطر منفی است. بر این اساس نتیجه گرفته می شود میزان رفتارهای پرخطر در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها سهل گیرانه و مستبدانه است بیشتر و در دانش-آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدرانه است کمتر می باشد.

جدول ۴-۱۲: خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل

مدل	R	مجذور R	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین-واتسون
۱	۰/۶۲۳	۰/۳۸۸	۸/۰۷	۱/۶۸۰

در جدول ۴-۱۲ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۶۲۳ می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۳۸۸ می باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات رفتارهای پرخطر توسط سبک های فرزندپروری می باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۶۸۰ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده ها رعایت شده است

جدول ۴-۱۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	3	2420.182	37.125	0.001
باقیمانده	176	65.190		
کل	179	18733.911		

در جدول ۴-۱۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با ۳۷/۱۲۵ می باشد که در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است، که نشان می دهد سبک های

فرزندپروی می‌تواند تغییرات مربوط به رفتارهای پرخطر را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۴-۱۴: تحلیل رگرسیون برای پیش بینی رفتارهای پرخطر از طریق سبک‌های فرزندپروی

شاخص های هم خطی			ضرایب استاندارد			
			ضرایب استاندارد نشد		ضرایب استاندارد شده	
VIF	Tolerance	سطح معنی داری	t	Beta	خطای استاندارد	B
		0.001	8.068		10.657	85.975
						ثابت
1.396	0.716	0.007	2.746	0.191	0.221	0.608
						سبک سهل گیر
1.042	0.960	0.002	3.224	0.194	0.179	0.578
						سبک مستبد
1.387	0.721	0.001	-6.203	-0.431	0.207	-1.283
						سبک مقتدر

در جدول ۴-۱۴ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی رفتارهای پرخطر از طریق سبک‌های فرزندپروی، آورده شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش ۰/۱ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش ۱۰ کمتر است، نتیجه می‌شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است.

مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای سبک سهل گیرانه برابر با ۰/۱۹۱، سبک مستبدانه برابر با ۰/۱۹۴ و برای سبک مقتدرانه برابر با ۰/۴۳۱- می‌باشد. با توجه به مقدار آماره های t بدست آمده که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که سبک‌های سهل گیرانه و مستبدانه به صورت مثبت و سبک مقتدرانه به صورت منفی قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان می‌باشند.

بحث و نتیجه گیری

قلدری و رفتارهای پرخطر در مدرسه یکی از مشکلات سازگاری در دوره ی نوجوانی است و اکثر محققان و روانشناسان رشدی توافق دارند که شکلی از آزار و اذیت های جسمی، جنسی و روانشناختی یک یا چند دانش آموز علیه دانش آموز دیگر به صورت مکرر در یک دوره ی زمانی است که ، به عنوان یک نوع خشونت سطح پایین مورد توجه روانشناسان مدرسه قرار گرفته است. از طرفی، محیط خانواده نقش بسزایی در شکل گیری شخصیت کودک و الگوهای رفتاری او دارد. خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک به آن وارد می شود و این نهاد پر قدرت وی را برای ایفای نقش های مختلف دوره های متفاوت زندگی آماده می سازد.

نتایج همبستگی بین سبک های فرزندپروری با زورگویی سایبری نشان داده که میزان زورگویی سایبری در دانش آموزانی که سبک فرزند پروری والدین آنها سهل گیرانه و مستبدانه است بیشتر و در دانش آموزانی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدرانه است کمتر می باشد.

سبک های سهل گیرانه و مستبدانه به صورت مثبت و سبک مقتدرانه به صورت منفی قادر به پیش بینی زورگویی سایبری دانش آموزان می باشند.

از آنجا که نقش والدین و رفتار آنها در شکل گیری رفتار کودکان بسیار موثر و رفتار نوجوانان را شکل می دهد که امروزه و با توجه به توسعه روزافزون فناوری باید به سایر شرایط تاثیرگذار در این امر توجه کرد. به بیان دیگر ممکن است این فنآوریها که در قالب عناوین مختلف در جوامع و خانوادهها گسترش یافتهاند، سبب گرایش و بروز رفتارهای پرمخاطره در نوجوانان شود که باید به بررسی دقیقتر آن پرداخت و با این پژوهش به تنهایی نمیتوان در این مورد نظری ارائه کرد. اگر والدین و بهخصوص مادران که در تربیت فرزندان نقش موثرتری را ایفا میکنند، در این راستا اقدامات مناسبی را انجام ندهند و در تربیت فرزندان از روش ها و شیوه های مناسب تربیتی استفاده نکنند، قطعاً شاهد بروز رفتارهای پرخطری در قالب زورگویی های سایبری از سوی فرزندان می باشند. همچنین توجه نکردن به این مسائل سبب خواهد شد دانش آموزان که در سنین نوجوانی قرار دارند، همزمان با گرایش به رفتارهای پرمخاطره از آموزش و فرآیند یادگیری دور بمانند. از این رو والدین به همراه مشاوران مدارس باید با نظارت دقیق و به موقع بر دانش آموزان با آسیب شناسی و ارائه راهنمایی های مناسب از جمله آگاه کردن آنان از خطرات رفتارهای پرخطر که از جمله آن واز همه بروزتر است زورگویی سایبری و عوارضی که در پی خواهند داشت، در پیشگیری کردن از این قبیل مسائل اقدام کنند زیرا در صورت ابطال و گرایش دانش آموز آسیب دیده به این گونه رفتارها، هدایت مجدد او کار دشواری خواهد بود. نتایج این پژوهش با پژوهش سجادی، سربایان و شریفی در آمدی (۱۳۹۲)، میشل جی فرالیگ و دیگران (۱۹۸۷)، مایرین (۱۹۹۴) آنولا و همکاران (۲۰۰۰) همسومی باشد.

شناسایی عواملی که خطرپذیری نوجوانان را تحت تأثیر قرار می دهند، یکی از راهکارهای بنیادین در امر پیشگیری از بروز زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر است. لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و عوامل جمعیت شناسی بر بروز زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان نوجوان انجام پذیرفت. بر اساس یافته های حاصل از پژوهش ارتباط معناداری میان زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه های فرزندپروری وجود داشت. بدین معنا که افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش رفتارهای پرخطر در دانش آموزان همراه است ولی با افزایش سبک های فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه با افزایش زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان همراه است که نتایج مطالعه همسو با احمد آبادی (۱۳۸۸) می باشد. شیوه تربیتی اقتدارگرا یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و حفاظت نوجوانان از بروز زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر بوده است و شیوه تربیتی مسامحه کار که در آن کنترل و گرمای کافی ارائه نمی شود، با سطوح بالاتر خطر پذیری همبسته است.

کیفیت خوب فرزندپروری را با توسعه سطوح بالای عزت نفس، کنترل رفتاری و مقاومت در برابر فشار دوستان و در نهایت کاهش خطرپذیری در ارتباط می دانند و بیان می دارند که نوجوانان در محیط های خانوادگی مسامحه کار، در سازش با محیط دچار مشکل می شوند. باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می شود. در صورتی که وجود اقتدار غیرمنطقی که براساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی منجر می شود. نهایتاً در تبیین احتمالی این یافته می توان گفت رابطه گرم بین اعضای خانواده و خصوصاً با فرزندان (ناشی از سبک تربیتی مقتدرانه) امکان جذب آنها را به خانواده بیشتر می کند. بنابراین، والدین نقش بسیار کلیدی و با اهمیتی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر فرزندان را به عهده دارند. آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی والدین است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می گذارد.

نتایج این مطالعه نشان از مؤثر بودن شیوه های فرزندپروری، در بروز زورگویی سایبری و رفتارهای پرخطر است. والدین با به کارگیری شیوه های مطلوب و صحیح فرزندپروری می توانند فرزندی سالم را به جامعه تحویل دهند. از آنجایی که خانواده یک کانون فرهنگی- اجتماعی مهم به شمار می آید و نقش بسزایی در پیشگیری از مسائل آسیب زای افراد در آینده دارد، با آموزش شیوه های فرزندپروری صحیح با تأکید بر روش مقتدرانه به والدین می توان در کاهش رفتارهای پرخطر کمک کرد. نتایج این پژوهش با پژوهش سجادی، سربابیان و شریفی درآمدی (۱۳۹۲)، میشل جی فرالیگ و دیگران (۱۹۸۷)، مایرین (۱۹۹۴) آنولا و همکاران (۲۰۰۰) همسومی باشد.

محدودیت های پژوهش

این پژوهش در راه رسیدن به اهداف خود با محدودیت هایی مواجه بود که از جمله این محدودیت ها می توان به موارد

زیر اشاره کرد:

- عدم همکاری بعضی از والدین جهت تکمیل پرسشنامه مربوط به شیوه های فرزند پروری
- بی سوادی و کم سوادی اولیاء در خصوص تکمیل کردن پرسش نامه ها
- این پرسشنامه توسط اولیاء و دانش آموزانی تکمیل شده که تحت تاثیر شرایطی همچون تفاوت های فرهنگی، تعصبات قومی، بی سوادی و کم سواد و محرومیت های موجود قرار گرفته.
- این پژوهش روی دانش آموزان پسرانه و دخترانه متوسطه اول شهرستان صورت گرفته است، بنابراین قابل تعمیم به دیگر مقاطع تحصیلی، مدارس غیر انتفاعی و دیگر مناطق و شهرها نیست.

منابع فارسی

- به پژوه، احمد. (۱۳۸۶). **خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان**، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سیزدهم.
- زاده محمدی، ع؛ احمدآبادی، ز (۱۳۸۷) هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستانهای تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۴ (۱۳)، صص ۸۷-۱۰۰.
- زاده محمدی، ع؛ احمدآبادی، ز (۱۳۸۷) هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستانهای تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۴ (۱۳)، صص ۸۷-۱۰۰.
- شفیع آبادی، عبدا.... (۱۳۹۳). فنون و روشهای مشاوره، تهران: نشر ترمه.

- Aunola, K., & Nurmi, J. E. (2005). The role of parenting styles in children's problem behavior. *Child development*, 76(6), 1144-1159.
- Hardy, D. F., Power, T. G., Jadedicke, S. (1993). Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. *Wiley Online Library: Child Develop*; 64(6): 18-48.
- Kowalski, R. M., & Limber, S. P. (2007). Electronic bullying among middle school students. *Adolescent Health*, 41, S22 –S30.
- Patchin, J. W., & Hinduja, S. (2006). Bullies move beyond the schoolyard: A preliminary look at cyberbullying. *Youth Violence and Juvenile Justice*, ۴, ۱۴۸-۱۶۹.
- Patchin, J.W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A Test of General Strain Theory. *Youth & Society*, ۴۳ (۲), ۷۲۷-۷۵۱.
- Pourhossein, R., Habibi, M., Ashoori, A., Ghanbari, N., Riahi, Y., & Ghodrati, S. (2015). -Prevalence of behavioral disorders among preschool children. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(5), 234-39
- Rathert, J. L., Pederson, C. A., Fite, P. J., Stoppelbein, L., & Greening, L. (2015). Associations between proactive and reactive aggression, parenting styles, and externalizing symptomatology in children admitted to a psychiatric inpatient unit. *Journal of Child and Family Studies*, 24(11), 3402-3412
- Rochelle, T. L., & Cheng, H. T. (2016). Parenting Practices and Child Behaviour Problems in Hong Kong: Knowledge of Effective Parenting Strategies, Parenting Stress, and Child-Rearing Ideologies. *Child Indicators Research*, 9(1), 155-171.
- Stone, L. L., Mares, S. H., Otten, R., Engels, R. C., & Janssens, J. M. (2016). The co-development of parenting stress and childhood internalizing and externalizing problems. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 38(1), 76-86.
- Wissink, I. B., Deković, M., Yağmur, Ş., Stams, G. J., & de Haan, M. (2008). Ethnic identity, externalizing problem behaviour and the mediating role of self-esteem among Dutch, Turkish-Dutch and Moroccan-Dutch adolescents. *Journal of Adolescence*, 31(2), 223-240.